



شورای عالی حوزه علمیّه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیّه خواهران

معاونت پژوهش

عنوان :

معرفت حقیقی به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

استاد راهنما:

سرکار خانم عزیزه اصغری

نگارنده :

زینب بیگ زاده

سال تدوین: ۱۳۹۴

چکیده

معرفت به معنای درک و شناختن شی با تفکر و تدبر در اثر آن بوده و چون تبعیت و محبت به دنبال معرفت صحیح حاصل می شود و تنها راه سعادت و هدایت، قرار گرفتن در مسیر ولایت و هدایت امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می باشد و از طرف دیگر اوصاف و کمالات و جایگاه امامت و ولایت آن حضرت در میان عموم مردم وهستی به درستی تبیین نشده است. به همین دلیل این مقاله، راههای معرفت حقیقی به امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را بررسی کرده و درصدد است به شناخت شأن و جایگاه حقیقی آن حضرت پرداخته و راههای معرفت حقیقی را برای منتظران واقعی آن حضرت ترسیم نماید.

حاصل اینکه در معرفت به امام عصر، شناخت جایگاه امامت در مبانی دینی و همچنین ولایت امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و نیز شناخت ویژگی ها و مقالات ایشان در شناخت حقیقی به آن حضرت نقش اساسی دارد. روش مورد استفاده در این تحقیق کتابخانه ای و اسنادی و روش تحقیق توصیفی و تبیینی است که از منابع قابل دسترس در این زمینه بهره گرفته است.

کلیدواژه: معرفت، منتظر، امامت، ولایت، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

مقدمه

برای باریابی به مقام عرفان و معرفت الهی، راهی جز عرفان و معرفت به مقام عارفان حقیقی که همان پیامبر و امامان معصوم از آل پیامبرند، وجود ندارد و در این اوضاع پریشان، صراط مستقیم همان امام غایبی است که تنها راه هدایت و سعادت نیز قرار گرفتن در مسیر ولایت و هدایت آن امام غایب - علیه السلام - می باشد و حرکت در این مسیر بدون شناخت واقعی امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - میسر نخواهد شد. و با اندکی تأمل می توان دریافت که مقام و منزلت حقیقی آن حضرت در بین مردم به درستی تبیین نشده است. و از طرف دیگر، شناخت جایگاه امامت در مبانی دینی و همچنین شناخت ولایت امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و نیز شناخت اوصاف و ویژگی ها و مقامات آن حضرت، زمینه را برای شناخت حقیقی امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - فراهم می کند که در این تحقیق در قالب سه بخش جداگانه تبیین شده است. و همانطور که بیان شد، پیامبران از آغاز خلقت از وجود آن حضرت خبر داده و به اوصاف و ویژگی های آن حضرت اشاره کرده اند. لذا پیشینه شناخت امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - یقیناً از زمان آغاز خلقت مطرح شده و می شود. و در این موضوع آثاری نیز نگاشته شده است از جمله در قرآن و کتب روایی معتبر مانند کافی شیخ کلینی و بحارالانوار علامه مجلسی و از

کتابهای معاصر تفاسیری مانند تفسیر المیزان با تالیف آیت الله طباطبایی و درسنامه مهدویت با تالیف خدامراد سلیمان و سلوک مهدوی با تالیف حیدری کاشانی و ... به شاخه هایی از موضوع مهدویت و امامت و ولایت امام عصر -عجل الله تعالی فرجه الشریف- و ضرورت معرفت و نیز پاره ای از اوصاف و ویژگی ها و مقامات آن حضرت پرداخته اند.

هدف از بررسی معرفت حقیقی به امام عصر -عجل الله تعالی فرجه الشریف- آگاهی دادن به افراد و اشخاصی است که تشنه حقیقت و سعادت هستند تا بتوانند نسبت به آن حضرت معرفت پیدا بکنند تا محبت و علاقه بیشتری به ایشان پیدا کرده و در نتیجه باورها و اعتقادات خودشان را افزایش بدهند و سپس حد نصاب لازم برای باریابی به مقام نصرت آن حضرت را بیابند و پس از آن تحت ولایت و سرپرستی مولای هدایت و تربیت قرار می گیرند و در نهایت به لقای آن حضرت نائل شوند و موجبات ظهور امام عصر -عجل الله تعالی فرجه الشریف- را فراهم نمایند.

روش مورد استفاده کتابخانه ای و روش پژوهش، توصیفی و تبیینی است که از منابع قابل دسترس بهره گرفته شده است.

معنای لغوی معرفت:

واژه معرفت از ریشه عرف به معنای درک و شناختن است.^۱
 راغب گفته: معرفت و عرفان، درک و شناختن شی است با تفکر و تدبیر در اثر آن و آن از علم اخص است و واژه انکار، نقطه مقابل و ضد آن است.^۲
 بدین معنا که دانش با ویژگی های خاص را معرفت گویند و فرمودند: معرفت علم قاصری است که با تفکر به دست آمده باشد.

معنای اصطلاحی معرفت:

هر چند «معرفت شناسی» در علوم اسلامی به صورت مستقل مطرح نشده است با دقت نظر در ابواب و شاخه های علوم اسلامی چنین به دست می آید که نظرات متفاوتی از معرفت در علوم مختلف اسلامی به صورت پراکنده بحث شده است.

در این میان، آیت الله سبحانی با اشاره به اشکالات متعدد این نظرات و تعریف ها در باب معرفت بیان می دارد به سبب وضوح معنای «علم و معرفت» ما از تعریف آن بی نیاز هستیم.^۳
 و آیت الله جوادی آملی نیز، تعریف های موجود را از باب تنبه و آگاهی می دانند و معتقدند امکان تعریف حقیقی معرفت وجود ندارد.^۱

^۱ - علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۳۲۶

^۲ - راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۵۶۱

^۳ - سبحانی، نظریه المعرفة؛ ص ۱۷-۳۵

و مصطفوی همچین، معرفت را «اطلاع بر شی و تمیز دادن آن از غیر خودش به همراه علم به خصوصیات و آثارش» معنا کرده است؛ بر همین اساس ایشان معتقد هستند که معرفت اخص از علم است پس هر معرفتی را علم می داند ولی هر علمی را معرفت نمی شمارد.^۲

با توجه به قیودی که معرفت نسبت به علم دارد معلوم می شود که نسبت میان علم و معرفت نسبت عموم و خصوص و مطلق است و علم معنای عام تری از معرفت دارد.

معنای حقیقی معرفت:

منظور از معرفت امام زمان -علیه السلام-، نه فقط شناخت شناسنامه ای و معرفت به حسب و نسب (تبارشناسی) آن حضرت است، بلکه منظور حقیقی، شناخت تمام ابعاد، شئون و مقامات و بهره گیری عملی از وجود نورانی آن حضرت در پرتو ارتباط معرفتی است.

بدین سان آنان که به معرفت سطحی و شناختی رویین و ظاهری نسبت به امام زمانشان دل خوش کرده اند، دارای مراتبی از جاهلیت، بت پرستی و گمراهی اند.^۳

به هر میزان که بی معرفتی نسبت به امام زمان -علیه السلام- قوی تر و عمیق تر باشد، درجه ی جاهلیت بیشتر و عمیق تر خواهد بود.

در عرصه خداشناسی و امام شناسی، اصالت با معرفت قلبی، حضوری و شهودی است که در فرهنگ روایی شیعیان از آن با عنوان «معرفت نورانی» یاد می کنند.

هدف نهایی در عرصه مهدی شناسی نیز دستیابی به معرفت حقیقی از مقامات و شئون وجودی حضرت مهدی روحی فداه است که همان معرفت نورانی یا معرفت قلبی و حضوری است.

معرفت به امام عصر -عج الله تعالی فرجه الشریف- در دو نوع معرفت عقلی و حصولی و معرفت قلبی و حضوری قابل بیان می باشد.

معرفت عقلی و حصولی:

امام شناسی، از اصول بنیادین آیین اسلام است که ابتدا با مجاهده علمی و اندیشه ورزی معرفتی، باید بدان رسید. اساساً در اسلام، آنچه از اصول دین است، باید با تفکر و تعقل بدان راه یافت. همانگونه که توحید و نبوت را با استدلال می پذیریم، امامت را نیز با استدلال عقلی پذیرا می شویم و همانگونه که بر خداشناسی برهان می آوریم، بر امام شناسی نیز برهان اقامه می کنیم. در عرصه مهدی شناسی هر چند دستیابی به معرفت حضوری هدف نهایی است، اما راهیابی به معرفت عقلی و حصولی که خود مجاهدت

^۱ - عبد الله، جوادی آملی، معرفت شناسی در قرآن، ص ۸۷

^۲ - حسن مصطفوی، التحقيق فی الکلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۱۱۸

^۳ - محمدباقر حیدری کاشانی، سلوک مهدوی، ص ۲۸-۲۹

همه جانبه علمی و عملی را می‌طلبد، مقدمه و شرط لازم آن است یعنی اینکه تلاش برای راهیابی به معرفت عقلی و حصولی در عرصه مهدی‌شناسی مقدمه‌ای برای دستیابی به معرفت قلبی و حضوری است.

معرفت قلبی و حضوری:

معرفت قلبی و حضوری، همان معرفت حقیقی و نهایی در عرصه امام‌شناسی است؛ درّ یگانه و حقیقت ارزشمندی که طلایه داران عرفان و معرفت در قله رفیعی به نام «معرفت نورانی» آرزومند آنند.

مقام معنوی و روحانی امام، مقامی فراتر از مافوق تمام امور دنیوی و جسمانی است که حتی پیش از پیدایش جهان مادی و آفرینش نسل آدمی وجود داشته است. امام، حقیقتی فرامادی در نظام هستی است. امام، واسطه بین خدا و تمام جهان هستی است؛ واسطه فیض رسانی و مجرای هستی بخش از سرچشمه زلال هستی است.

برای ارتباط اصیل معرفتی با آن مقام نورانی و فرامادی، می‌بایست توجه انسان از دنیا و تعلقات دنیوی قطع شود و به عالم نورانی غیب نظر نماید. اگر بخواهی بعدی از ابعاد مقام عصمت و نورانیت محض را دریابی، باید در بعدی از ابعاد، هماهنگی و هم‌سنخی ریشه داری با مقام عصمت و نورانیت آن انسان کامل در خود ایجاد نمایی.

اگر قلب انسان که عرش خداوند رحمان است، از هرگونه ناقابلی و آلودگی پاک شود و مقام انسانی‌اش را از حد دنیا و جسم و خشم و شهوت بالا و بالاتر رود، روح و جان او همواره زلال و زلال‌تر می‌گردد تا آن که به مقام شهود و حضور و نظاره بر مقامات شگفت‌انگیز انسان کامل که تجلی اعظم جلوه‌های جمال و جلال الهی است، نایل می‌گردد.^۱

جایگاه امامت در مبانی دینی

مسأله رهبری امت اسلامی پس از پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - که از آن به امامت یاد می‌کنیم، یکی از مسائل بنیادین و مهم در اندیشه اسلامی است. پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - پس از هجرت به مدینه، نخستین حکومت اسلامی را بنیان نهاد و خود رهبری آن را بر عهده گرفت. از آن پس پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - افزون بر انجام مسئولیت‌های پیامبری خویش مانند دریافت و تبلیغ وحی، تفسیر قرآن و بیان احکام الهی، تعلیم و تربیت مردم، عملاً عهده دار وظایف مربوط به رهبری جامعه اسلامی گردید؛ به اختلاف مسلمانان رسیدگی می‌کرد و در میان آنها حکم می‌راند، حدود و قوانین الهی را اجرا می‌نمود، رهبری قوای نظامی را بر عهده داشت و درباره جنگ و صلح تصمیمی می‌گرفت و امور اقتصادی جامعه را سامان می‌داد. در یک کلام، بار رهبری امت اسلامی در همه شؤون دینی و دنیوی آنان بر دوش پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - بود.

^۱ - محمدباقر حیدری کاشانی، سلوک مهدوی، ص ۳۶-۳۸

سید بن طاووس، از شرف یافتگان به محضر امام زمان -عج الله تعالی فرجه الشریف- است. آن رادمرد الهی برخی از نمازها و مناجات های امام زمان را -عج الله تعالی فرجه الشریف- شاهد بوده و آنها را گزارش فرموده است.

آن بزرگوار نقل می کند: «سحرگاهی در سرداب مقدس بودم، ناگاه صدای مولایم را شنیدم که برای شیعیان خود چنین دعا می کردند: خدایا! شیعیان ما از شعاع نور ما و بقیه طینت ما خلق کردی؛ آنان گناهان بسیاری با اتکای بر محبت و ولایت ما انجام داده اند؛ اگر گناهان آنها گناهی است که در ارتباط با توست، از آنها بگذر که ما راضی هستیم. و آنچه از گناهان آنها در ارتباط با خودشان هست، خودت بین آنها را اصلاح کن و از خمسی که حق ماست به آنها بده تا راضی شوند و آنها را از آتش جهنم نجات بده و آنها را با دشمنان ما در سخط خود جمع مفرما!»^۱

مهدی -علیه السلام- رمز معرفت، برکت و حکمت:

در فرازی از زیارت جامعه کبیره آمده است: «السَّلامُ عَلٰی مُحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَ مَسَاكِنِ بَرَكَهَةِ اللَّهِ، وَ مَعَادِنِ حُكْمَةِ اللَّهِ؛^۲ سلام بر شما که قلوبتان جایگاه معرفت خدا و مسکن برکت حق و معدن حکمت الهی است». هر آن که در تکاپوی معرفت است، به سوی او بشتابد و از معرفت او بیاغازد، هر آن که در جست و جوی رحمت و برکت است، سراغ او را بگیرد و از مهر و رحمت بی کران او نصیبی بجوید. هر آن که حیران و سرگشته علم و حکمت است، به سوی او ره پوید تا لحظه ای در محضر او نشیند.

مهدی -علیه السلام-، توجه گاه اولیا:

در فرازی از دعای ندبه آمده است: «أَیْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِیْ إِلَیْهِ یَتَوَجَّهُ الْوَلِیُّ؛^۳ کجاست آن وجه خدا که اولیا فقط به سوی او توجه و توسل می جویند؟!»

امام زمان، -عج الله تعالی فرجه الشریف- وجه الهی هستند؛ بدین معنا که نمایش کامل صفات جمال و جلال الهی اند.

مهدی موعود -علیه السلام-، مظهر رحمت و قدرت حق و مظهر عدل الهی است و کسانی که بتوانند با این کانون رحمت و تفضلات الهی، ارتباط روحی و معنوی برقرار کنند، در تقرب به خداوند توفیق بیشتری

^۱ - همان.

^۲ - شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۰- عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۳- شیخ طوسی، تهذیب

الاحکام، ج ۶، ص ۹۶- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۲۸- عباس قمی، کلیات مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره

^۳ - سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۲۹۷، علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۷- عباس قمی، کلیات مفاتیح الجنان، دعای ندبه

می یابند؛ زیرا نفس توسل و توجه و ارتباط قلبی با آن حضرت، موجب عروج و رشد روحی و معنوی انسان می شود.^۱

اهل معنا و باطن در توسلات معنوی خود، آن بزرگوار را مورد توجه و نظر دائمی قرار می دهند و به آن حضرت توسل و توجه می جویند. نفس پیوند قلبی و تذکر و توجه روحی به آن مظهر رحمت، قدرت و عدل حق تعالی، انسان را عروج و رشد می دهد و وسیله پیشرفت روحی و معنوی انسان را فراهم می کند. این یک میدان وسیع است. هر کسی در باطن و قلب و دل و جان خود با آن بزرگوار مرتبط باشد، بهره خودش را خواهد برد. البته توجه به کانون نور، باید توجه حقیقی باشد.^۲

نتیجه

حاصل آنکه معرفت حقیقی به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف - تنها راه هدایت و سعادت و معرفت خدا می باشد و دستیابی به این معرفت انسان را از گمراهی دین نجات می دهد و برای شناخت آن حضرت، راههای زیادی مطرح می شود که از جمله آنها، شناخت جایگاه امامت در مبانی دینی است که شناخت چنین جایگاهی مقدمه ای برای دستیابی به معرفت امام عصر می باشد چرا که امام حجت خدا در میان خلق می باشد و دین اسلام به واسطه همراه بودن به امامت به مرتبه کمال مطلوب دست یافته است علاوه بر آن، شناخت جایگاه ولایت امام عصر نیز به نوبه خود برای راهیابی به معرفت امام عصر تاثیر دارد چرا که زمین در هیچ دوره و زمانی خالی از حجت الهی نبوده و نخواهد بود و امور هستی به حضرات چهارده معصوم واگذار شده است که لازمه آن واگذاری اعطاء ولایت تکوینی و تشریعی بر هستی است. و همچنین شناخت اوصاف و ویژگی ها و مقامات آن حضرت نیز به نوبه خود در راهیابی به معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف - خیلی مفید و مؤثر خواهد بود با این دلیل که این نوع شناخت در زندگی فردی و اجتماعی منتظران اثر می گذارد و شخص منتظر از یاد و نام آن حضرت غافل نخواهد شد. بنابراین همه این راههای دستیابی به معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف - دست به دست هم داده و معرفت افراد را نسبت به آن حضرت زیاد خواهد کرد.

پیشنهاد:

پیشنهاد ما به مسئولین محترم این است که اگر می خواهند، دانش پژوهان در حیطه ی پژوهش یادگیری بهتری داشته باشند و بتوانند با دقت و تمرکز کامل به پژوهش بپردازند و به نتیجه بهتری دست یابند، لازم می باشد که در ارائه واحد درسی و یا غیر درسی پژوهش، در حین تحصیل دانش پژوه تجدید نظر داشته

^۱ - فرازی از رهنمودهای رهبری فرزانه انقلاب، روزنامه رسالت: ۷۶/۱۰/۱۶

^۲ - فرازی از رهنمودهای رهبری فرزانه انقلاب، روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۷/۹/۱۵

باشند و وقت و زمان مجزایی برای پژوهش در نظر بگیرند تا دانش پژوهان بتوانند بدون داشتن دغدغه‌ی درسی و با صرف وقت زیادی به پژوهش بپردازند.

محدودیت‌ها و مشکلات:

در طول انجام این پژوهش مشکلات و محدودیت‌هایی به وجود آمد از جمله اینکه، پرداختن همزمان به پژوهش در طول ترم تحصیلی باعث مشکلاتی اعم از کمبود وقت برای انجام پژوهش و کاهش کارایی در پژوهش و همچنین کاهش کارایی در تحصیل شد. علاوه بر این با توجه به اینکه روش این تحقیق کتابخانه‌ای می‌باشد و مستلزم استفاده از منابع موجود در کتابخانه می‌باشد ولی علی‌رغم وجود منابع فراوان، با رجوع به این منابع اشکالات آدرسی زیادی (اعم آدرس دهی ناقص و یا اشتباه) پیش آمد که باعث سردرگمی و عدم اعتماد به اطلاعات موجود شد. و وقت زیادی جهت کنترل آدرس مطالب موجود و تصحیح اشکالات آن صرف شد.

منابع و مآخذ

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم، مکتبه ایه المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق، اول، قم.

اربلی، کشف الغمه، محقق: سید هاشم رسولی محلاتی شربنی هاشمی، ۱۳۸۱ق، اول، تبریز.
بحرانی، سید هاشم ابن سلیمان، الانصاف فی النص علی الاثمه الاثنی علیهم السلام، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، نشر فرهنگ اسلامی، دوم.

جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه ولایت فقاقت، رجا، بی تا، ۱۳۶۵ش، دوم.
.....، ولایت فقیه، نشر اسراء، ۱۳۹۳ش، شانزده.

جوادی آملی، معرفت شناسی در قرآن، نشر اسراء، ۱۳۸۴ش، سوم، تهران.
حرانی، تحف العقول، محقق، علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳/۱۴۰۴ق، دوم، قم.
حکومت اسلامی، فصلنامه علمی-پژوهشی، پژوهشگاه اندیشه سیاسی اسلام، شماره چهارم، شانزده، ۱۳۹۰، قم.

خزّاز قمی، کفایه الاثر، عبداللطیف حسینی کوهکمری، بیدار ۱۴۰۱ق، قم.
سبحانی، حسن مکی عاملی، نظریه المعرفه؛ موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۹ق، قم.
سعیدی مهر، محمد، کلام اسلامی، کتاب طه، ۱۳۹۳ش، پانزده، قم.
حیدری کاشانی، محمدباقر، سلوک مهدوی، سبط النبّی، چاپ سوم، سال ۱۳۹۰، قم.

- سید بن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۹، دوم، تهران.
-، جمال الاسبوع، دارالرضی، ۱۳۳۰ق، قم.
- شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، مطبعه الحیدریه، بی تا، ۱۳۸۱ق، اول نجف.
- شیخ حر عاملی، إثبات الهداه، اعلمی، ۱۴۲۵ق، اول، بیروت.
-، وسائل الشیعه، محقق: موسسه آل البيت ۱۴۰۹ق، اول، قم.
- شیخ صدوق، کمال الدین، محقق: علی اکبر غفاری، اسلامی، ۱۳۹۵ق، دوم، تهران.
- من لایحضره الفقیه، محقق: علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق، دوم، قم.
- شیخ طوسی، الغیبه، محقق: عبدالله تهرانی و علی احمد ناصح، ۱۴۰۹ق، دوم، تهران.
-، تهذیب الاحکام، محقق: حسن الموسوی خراسان، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، چهارم، تهران.
- شیخ مفید، ارشاد، موتمرالشیخ المفید، ۱۴۱۳، اول، قم.
- صفار، بصائر الدرجات، مکتبه ایه الله المرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق، قم.
- طاهری، حبیب الله، امامت عامه و خاصه، نشر زائر، ۱۳۸۱، اول، قم.
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، جماعه مدرسین، ۱۳۷۴ش، پنجم، قم.
- طبرسی، احتجاج، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق، اول، مشهد.
- یوسفیان، مهدی، عجیب ترین حقیقت تاریخ، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۹۱ش، چاپ اول، قم.
- قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس القرآن، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۳ق، ششم.
- عیاشی، تفسیر عیاشی، محقق: سید هاشم رسولی محلاتی، المطبعه العلمیه، ۱۳۸۰ق، اول، تهران.
- شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا علیه السلام، محقق مهدی لاجوردی، نشرجهان، ۱۳۷۸ق، اول، تهران.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، مترجم سید جواد مصطفوی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، چهارم، تهران.
- گنجی، استاد حسین، امام شناسی، نشر آشیانه مهر، بی تا د، اول، قم.
- لطفی، رحیم، مهدویت، حکومت دینی و دموکراسی، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۹۰ش، چاپ دوم، قم.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق، دوم، بیروت.

- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش، اول، تهران .
- نعمانی، الغیبه، محقق: علی اکبر غفاری، نشر صدوق، ۱۳۹۷ق، اول، تهران .
- مهدی یوسفیان، نگین آفرینش، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۹۳ش، چاپ ۶۱، قم.
- ورّام بن ابی فراس، مجموعه ورّام، مکتبه الفقیه، ۱۴۱۰ق، اول، قم .
- هاشمی خویی، حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه محقق: مترجم حسن حسن زاده عاملی و محمد باقر کمره ای، مکتبه الاسلامیه ۱۴۰۰ق، چهارم، تهران .